



کعبه: تجلی و تفسیر زیبایی هستی

دکتر محمد تقی زاده

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۵/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۲/۱۲/۲

نگرند دیگر به سرو اندر چمن
هر که دید آن سرو سیم اندام را

چکیده:

علیرغم استعمال فراوان واژه "زیبایی" و اطلاق آن به طیف وسیعی از اشیاء و مفاهیم و پدیده‌ها از سوی همه انسان‌ها، ارایه تعریفی جامع از آن بسیار مشکل می‌نماید. در چنین مواردی یکی از راه‌هایی که معرفی موضوع مورد نظر را فراهم می‌نماید شناسایی مصادیق مرتبط و یا تبیین معیارهای مربوطه می‌باشد و به این ترتیب شاید بتوان با تعریف یکی مصادیق زیبایی (کعبه) و به ویژه تطبیق معیارهای زیبایی، مفهوم زیبایی و به خصوص زیبایی کعبه را معرفی نمود. با عنایت به مراتب مختلف زیبایی، مقاله حاضر سعی بر آن خواهد داشت تا زیبایی کعبه را به عنوان عنصری که خداوند طراح آن بوده، انبیاء عظامش ع آن را بنیاد نهاده و بندگانش به طواف آن می‌شتابند و رو به آن نماز می‌گذارند و در طول تاریخ منبع الهام بسیاری عرفا و حکما و هنرمندان بوده است، از جنبه‌های مختلف بررسی نماید.

وجوه زیبایی کعبه در سه دسته اصلی طبقه بندی شده اند: عوامل یا معیارهای عام که به زیبایی معقول کعبه گواهی می‌دهند، عوامل یا معیارهای عام که زیبایی محسوس آن را معرفی می‌نمایند و معیارهای متخذه از تعالیم اسلام که زیبایی خاص کعبه را جلوه گر می‌کنند.

واژه‌های کلیدی:

کعبه، زیبایی، زیبایی معنوی، زیبایی محسوس، هستی، جهان بینی.

"ان اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارک" و هدی للعالمین:

بدانید اول خانه ای که برای مکان عبادت خلق بنا شده همان خانه مکه است آن خانه

را خیر بسیار است برای مردم و سبب هدایت است عالمیان را" (آل عمران: ۹۶)

مقدمه

کعبه تنها موجود عالم هستی است که اگر چه توسط انسان (آدم ع، ابراهیم و اسمعیل ع) ایجاد یا تجدید بنا شده اما طراح اصلی آن خداوند سبحان بوده، و صدور دستور ایجاد و تعیین مکانش نیز مستقیماً از سوی خداوند تبارک و تعالی انجام شده است. این انتساب و فرایند ایجاد است که عزت و شرافت و زیبایی را برای کعبه مسجل می دارد، که این نوشتار، پس از ذکر مباحث مرتبط که ذیلاً می آیند، معرفی بارزه های زیبایی آن را در حد بضاعت پی می گیرد.

مختصری از نظرات متفکران در مورد زیبایی: علیرغم ارایه
تعاریف متنوعی برای زیبایی از سوی مکاتب مختلف، تعریف متفق القولی از آن در دسترس نمی باشد افلاطون بر وجه لذت بخشی زیبایی توجه داده و معتقد است که "زیبایی لذتی است که از طریق حواس بنیایی و شنوایی تحصیل می شود" (افلاطون، ۱۳۸۰). به نظر توماس آکویناس "زیبایی" معادل "لذت" تلقی شده است (نیوتن، ۱۳۷۷، ص ۱۹). نیوتن زیبایی را مترادف با ذوق سلیم تعریف می نماید. (نیوتن، ۱۳۷۷، ص ۴۵). زیبایی از نظر کنفوسیوس در ارزش اخلاقی آن نهفته و به عبارت دیگر تنها تلفیق زیبایی و خیر است که می تواند زیبا باشد (دابوتان، ۱۳۸۱). نظریه اطلاعات که در بیان زیبایی زبان ریاضی دارد زیبا را ادراک نظم نسبی توسط ذهن می شمارد (گروتر، ۱۳۷۵). کانت نقش سلیقه را در تشخیص زیبایی و تمیز زیبایی از زشتی نقش اصلی می داند. هگل نیز به تبع افلاطون زیبایی را به دو مقوله زیبایی طبیعی و هنری تقسیم می نماید و احساس زیبا را (نه فطری و نه موروثی بلکه) آموختنی می انگارد. لوکریوز به ماشین را عین زیبایی دانسته است. به نظر تولستوی مصداق زیبایی در فرهنگ های مختلف متفاوت است (تولستوی، ۱۳۷۲). تعالیم اسلامی نیز برای زیبایی اهمیتی در خور توجه قابل بوده و در مواقع گوناگون آن را مطرح نموده است (نقی زاده، ۱۳۸۱ ب). وجهی از زیبایی در بیان پیامبر اکرم ص مطابقت آن با حق است "الجمال صواب القول بالحق: زیبایی درستی گفتار مطابق حق است" (نهج الفصاحه، ۱۳۷۷، ص ۴۳۳). علمای اسلام حسن و

جمال در آثار انسان را به عنوان تجلی صفت جمال الهی معرفی می نمایند. زیبایی واجد مراتبی از ماده (حس) تا معنا (عقل) است که شناسایی آن و به ویژه مراتب عالی آن بدون آشنایی با رمز و نماد و آیه قابل درک نیست. اجمالاً، با هر تعریفی از زیبایی، و هر مرتبه ای از آن نمی توان در تمایل کلیه انسان ها به زیبایی تردید نمود گویا "مسأله زیبایی، تشخیص زیبایی و رفتن به دنبال زیبایی ریشه در روح ما دارد. شاید یک علت بسیار مهم برای خلق زیبایی هایی که خداوند در طبیعت آفریده یا در درون ما به ودیعت نهاده است این باشد که اصلاً روح در این دنیا بدون دریافت زیبایی نمی تواند آرام بگیرد و دوام بیاورد" (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹). علت اصلی نیز تمایل فطری انسان به زیبایی مطلق یا جمال الهی است، چنانچه هنر راستین از آن جهت زیباست که حقیقی است و به این ترتیب زیبایی هنر به همان میزان است که به وجود خداوند شهادت دهد (Burckhardt, 1967).

منابع ادراکی انسان: برای شناخت و تعریف زیبایی و وجوه تمایز آن در مکاتب مختلف توجه به دو موضوع که بین همه مشترک است ضرورت دارد، یکی مراتب زیبایی است به این معنا که معادل هر ساحتی از وجود می توان ساحتی برای زیبایی قائل شد، و دیگری معیارهایی که زیبایی را تعریف می نمایند. معیار و مقیاس های مربوط به زیبایی بسته به منبع ادراکی انسان متفاوت است. نزد مکاتب و افراد مختلف یک یا چند حس از حواس پنجگانه به عنوان مبدأ درک زیبایی تلقی می شود. گاهی این احساس در عالم ماده و حس متوقف می ماند و گاهی با طی مدارج عالی تر مراتب بالاتری از زیبایی نیز درک می شود. برای دستیابی به نتیجه ارتباط انسان با جهان خارج و تعریف نوع ادراک وی، مکاتب فکری متفاوتی مبنا قرار گرفته و یا شیوه هایی اتخاذ می گردند که بر اساس هر یک از آنها معیارهایی برای اظهار نظر در مورد به عالم هستی تعیین می شود. اهم این مکاتب یا شیوه ها عبارتند از: مکتب حس گرایانه (که تنها معیار را حس و تجربه می داند)، مکتب کمیترگرایانه (که تابع منطق

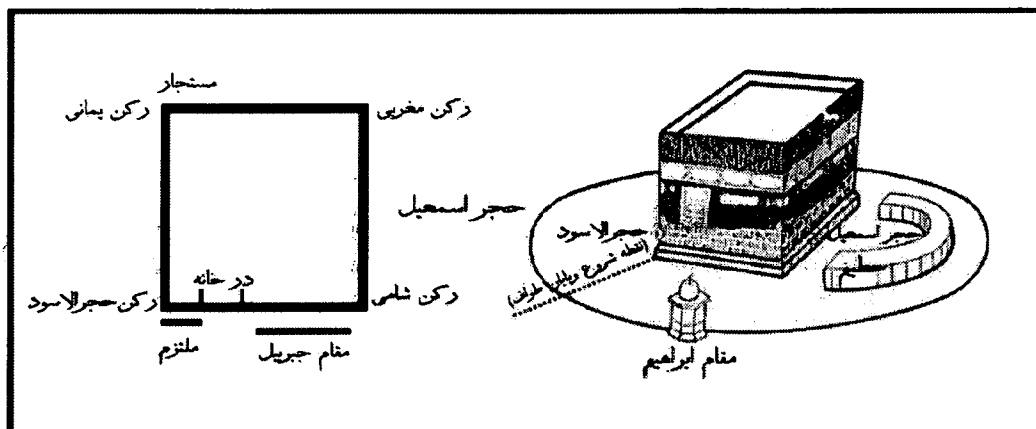
حلول کرده بسا می شد که به عزم زیارت به آنجا مسافرت می کردند. یهودیان هم خانه کعبه را بزرگ می شمردند، و در آنجا خدا را مطابق دین ابراهیم پرستش می کردند. همچنین دو صورت از "مریم" و "مسیح" در آنجا بود که از آن استفاده می شود؛ نصاری نیز آنجا را مقدس می دانستند" (طباطبایی، ۱۳۴۶، ب، ص ۲۶۹).

زیبایی کعبه و مراتب آن: تفکر توحیدی جملگی مراتب زیبایی مادون جمال الهی را جلوه و تجلی آن زیبایی مطلق می داند که همگی به قدر توان و مرتبه خویش به آن زیبایی مطلق گواهی می دهند. و اما از نظر مقارنه و تطبیق با ساحت های وجودی انسان و متناسب با مراتب ادراک وی، زیبایی و تجلیات و بارزه های آن را می توان در دو مقوله و مرتبه اصلی "زیبایی معقول" و "زیبایی محسوس" طبقه بندی نمود. بارزه های زیبایی معقول یا معنوی به آن مختصات ارزیابی اطلاق می شود که یا توسط قوه عقلانی انسان ادراک شده و یا با ادراک اولیه قوای حسی با تجزیه و تحلیل عقلی اشاره و ارتباطش با اصول روحانی درک می شود. ویژگی های زیبایی محسوس به آن مختصاتی اطلاق می گردد که به عنوان معیارهای زیبایی شناخته شده اند. در مطالعه حاضر با توجه به موضوع مورد بحث (کعبه) علاوه بر ویژگی های ملاک عمل در دو گروه فوق، سعی بر آن خواهد بود تا به عنوان بارزه های خاص زیبایی کعبه با عنایت به مختصاتی که تفکر اسلامی برای کعبه و موضوعات مرتبط با آن معرفی می نماید تجلیات زیبایی آنها در کعبه نیز مورد شناسایی قرار گیرند. به این ترتیب بارزه های زیبایی کعبه و یا به عبارتی آنچه را می توان به عنوان علت زیبایی و زیبا نامیده شدن کعبه ذکر نمود تحت سه عنوان زیر طبقه بندی می شوند: "زیبایی معنوی و معقول"، "زیبایی محسوس" و "زیبایی خاص".

ریاضی است و عالم را بر اساس علوم و اصول ریاضی تبیین می نماید، مکتب سوم به اندیشه ذهنی بر می گردد که حکمت و کلام از آن برخاسته است، مکتب عارفانه مکتب بعدی است که بحث های عقلی را نردبان جهش قرار می دهد و نهایتاً مکاتب و حیانی قرار دارند که معیارهای شناخت عالم را از خالق هستی و به واسطه انبیاء اخذ می نمایند.

ویژگی های ظاهری کعبه و سابقه آن نزد جوامع دیگر:

ساختمان کعبه که سیمای عمومی آن مطابق شکل شماره ۱ است متشکل از چهار رکن به سمت جهات اربعه یا چهارسوی عالم می باشد: رکن حجرالاسود به سمت شرق، رکن یمانی به سمت جنوب، رکن شامی به سمت شمال و رکن مغربی بسوی غرب. حد فاصل در خانه و حجرالاسود ملتزم نامیده می شود. نام قسمت مقابل "در خانه" در دیوار بین رکن یمانی و رکن مغربی "مستجار" است. روبروی وجه غربی خانه (بین ارکان شامی و مغربی و) زیر ناودان رحمت حجر اسمعیل قرار دارد که توسط دیواری قوسی شکل (حطیم)، با عرض ۱/۵۲ متر در بالا و ۱/۴۴ متر در پایین و ارتفاع ۱/۳ متر) محصور شده است. قریب ۳ متر از حجر اسمعیل در زمان ابراهیم ع داخل خانه بوده است. "خانه کعبه نزد تمام مردم و طوایف مختلف، بزرگ و مقدس بوده است: هندی ها آن را با دیده عظمت نگرسته معتقد بودند که روح "سیوا" (که پیش آنان سومین "اکنون" شمرده می شود) هنگامی که با زنش بلاد حجاز را می گشت در حجرالاسود حلول کرد. ستاره پرستان فرس و کلدانی ها خانه کعبه را یکی از بیوت هفتگانه معظم می دانستند. بعضی به واسطه قدمت و طول بقای آن می گفتند: خانه کعبه "زحل" می باشد. فارسیان نیز کعبه را احترام می نمودند، زیرا عقیده داشتند که روح هرمز در آن



شکل ۱: ویژگیهای کالبدی عمومی کعبه

۱- زیبایی معنوی و معقول کعبه

اصول مطروحه برای زیبایی معنوی و معقول کعبه در عناوین زیر قابل طبقه بندی هستند:

معبد بودن: معبد بودن کعبه یکی از مهم ترین ادله زیبایی معنوی آن است. عبادت یکی از جلوه های زیبایی است که در زندگی انسان به جهت ارتباطی که با جمال و کمال و حقیقت و زیبایی مطلق برقرار می نماید ظاهر می شود. خداوند زیباست و (در عین حال) در تفکر توحیدی که صفات وی (و از جمله زیبایی او) عین ذات اوست، انسان وقتی به عبادت می پردازد، در واقع به عبادت و تسبیح زیبایی مطلق نیز پرداخته است.

تجردگرایی: برخی از ویژگی های کعبه که به این موضوع اشاره دارند عبارتند از:

- یکی از جلوه های بارز نمایش گرایش عالم به سمت تجرد، شکل کلی و عمومی کعبه است که متشکل از جهات شش گانه (جهت اربعه و اوج و حضيض یا سه محور اصلی طول و عرض و ارتفاع) می باشد. این وجوه ۶ گانه، دو به دو موازی یکدیگر بوده و می توان آنها را بر یکدیگر منطبق تلقی نمود. این سه صفحه مبین سه محور مختصات هستند. این سه محور نیز به نوبه خود یک محل تلاقی دارند که نقطه و مرکزی است که مرکز ثقل توجه عالمیان است و این مرکز جلوه ای از اصل آسمانی خویش است (تصویر شماره ۲).

- توجه به سلسله مراتب مکان ها و عناصر و مفاهیم مقدس از عرش الهی به ضراح در آسمان چهارم و از آنجا به بیت المعمور در آسمان زمین، و از بیت المعمور به کعبه در عالم طبیعت، بیانگر چگونگی وجه نزولی ارزش ها و موضوعات معنوی از عالم بالا بر زمین است که سیر معکوس آن جلوه گاه گرایش به تجرد است. زایر خانه خدا با توجه به این سلسله مراتب، هم به مفهوم گرایش به تجرد کعبه (نمایش تجرد کعبه) متوجه است و هم می تواند با بصیرت خویش، اعمال مادی را به سمت تجرد سیر داده و وجه معنایی آن را تقویت و درک نماید.

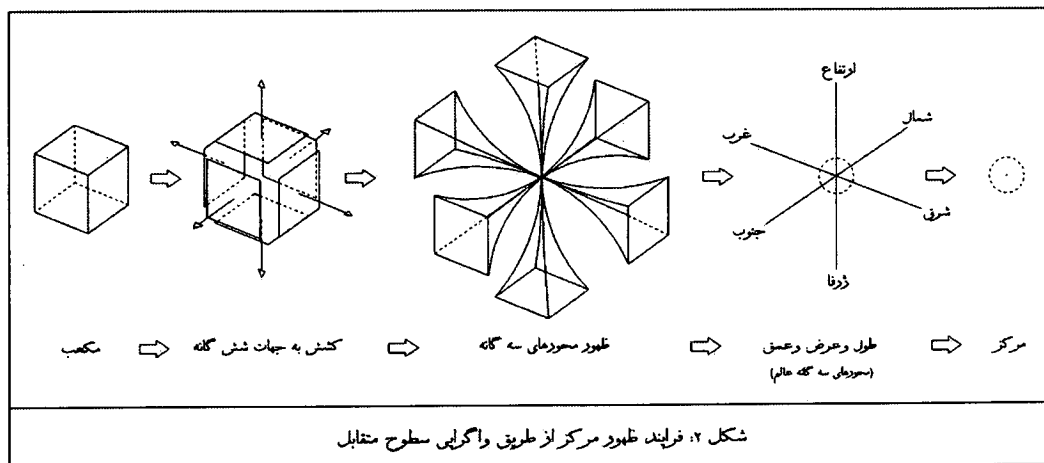
- معانی نمادین متنوع و گسترده ای که بر حجم و شکل و اجراء و عناصر و تاریخ و جملگی موضوعات مربوط به آن مترتب است و در مباحث آتی به آن اشاره خواهد شد.

مرکزیت عالم: بسیاری و یا جملگی ادیان معبد خود را مرکز زمین و عالم می دانند (Burckhardt, 1976) به طور نمونه سنت عبرانی فلسطین را مرکز زمین می خوانند. پایتخت سلطنت مطلقه چین در مرکز عالم استقرار داشته است. تفکر ایرانیان باستان نیز ایران (یا شهر شیز Shiz زادگاه زرتشت) را مرکز و قلب جهان تلقی می کرده است. این موضوع امری معنوی و سمبلیک است که در مورد کعبه نیز به طور عام مصداق دارد. اما تنها این کعبه است که بنا به ادله زیر به واقع و در عالم حسن نیز به مثابه مرکز عالم ظاهر می شود:

- کعبه در جملگی حالات و از جمله موقع عبادت به عنوان قبله یا مرکز توجه مسلمین است. در کعبه مرکزیت واحدی مطرح است که جملگی روی به آن دارند. در حقیقت تنها این محل (خانه مقدس کعبه) است که به هنگام توجه و نماز مسلمین، به صورت واقعی نیز به عنوان مرکز عالم (مرکز توجه انسانها)، ایفای نقش می کند. فرم کعبه تنها راه نمایش بی جهتی است که آیه شریفه "اینما تولوا فثم وجه ا... به هر سو که رو کنی، اینک روی او، سوی او باشد بیان کرده است (شریعتی، بی تا، صص ۷-۵۶). جمع اصل مرکزیت کعبه با حدیث معروف نبوی که همه زمین را مسجد معرفی می نماید، سبب می شود تا عالم خاک به عنوان عبادتگاهی مقدس مطرح شود که محضر خداست و کعبه مرکز این سجاده الهی است.

- کائنات از نظر مادی در یک سیستم مختصات سه بعدی قابل تعریف است که مهم ترین مکان این سیستم مختصات مرکز (محل تقاطع محورهای سه گانه) آن است و به این ترتیب همه چیز عالم هستی برای تعریف شدن و برای هویت یافتن نیازمند سنجیده شدن با مرکز است. در هر دو حالتی که صفحات مقابل یک مکعب به سمت یکدیگر جذب شوند و یا با کشش از یکدیگر دور شوند و همدیگر را دفع کنند، حاصل سه محور است که خلاصه این سه محور نیز یک نقطه است که همان مرکز کعبه یا مرکز عالم است (تصویر شماره ۲). به عکس کلیسا که رو به شرق است و بر خلاف معبد چینیان که جنوب را مطلوب و شمال را سرزمین شیاطین می داند، کعبه متوجه مرکز است و همه را به آن می خواند. کعبه مصداق بارز "لا شرقیه و لا غربیه" (نور: ۲۵) و "اصلها ثابت و فرعها فی السماء" (ابراهیم: ۲۴) می باشد.

کعبه نه تنها به عنوان قبله مسلمین و به عنوان یک معبد مرکز عالم است که فراتر از آن بنا به روایات اسلامی نقطه آغاز گسترش زمین و توسعه خشکی است و بنا به این روایات زمین از زیر کعبه گسترش یافته است. "خدای متعال چون خواست زمین را بیافریند، باها را فرمان داد تا به شکم آن برخورد کرده از آن موجی درست شد، سپس موج آب، کف کرده همه کف ها بهم متصل گردید، خداوند کف های متصل را در جای خانه کعبه گرد آورد و آن را کوهی قرار داد، و سپس زمین را از زیر آن بسط داد" (طباطبایی، ۱۳۴۶ ب، ص ۲۶۱). در تاریخ طبری نیز آمده است که "خداوند عزوجل دو هزار سال پیش از خلقت جهان کعبه را با چهار رکن بر آب خلق فرمود. آنگاه زمین را از زیر آن بگسترانید" (طبری، ۱۳۶۲، صص ۲۹-۳۰). به این ترتیب از تشابهی که بین بر آب بودن کعبه و توسعه زمین از زیر آن، با عرش الهی که بر آب بنا نهاده شده است (هود: ۷)، این نتیجه را می توان استنباط نمود که این دو عنصر مقدس به نحوی نماد یکدیگرند و یا به عبارت بهتر می توان کعبه را نماد عرش الهی تصور نمود.



شکل و صورت: "تعریف فرم از نظر ظاهری و حواس انسان" و "شناسایی معانی نمادین فرم (بطور عام و خاص)" دو عنوان اصلی بخش های این مطالعه هستند. مراد از "معانی نمادین فرم به طور عام" آن دسته از معانی فرم است که مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق مکاتب فکری و جوامع و تمدن ها می باشد، و مراد از "معانی نمادین فرم به طور خاص" معانی نمادین فرم از نظر تفکر و تمدنی خاص است که در حال حاضر مراد تفکر و تعالیم اسلامی است. در این زمینه موضوع اولیه توجه به هندسه و معنای کیفی آن است. اصولاً "تفکرات متألهین (به عکس تفکرات کمی گرایانه معاصر) برای اشکال و اعداد وجهی کیفی و معنایی قایل اند که بسیار مهم تر از وجه ظاهری آنهاست. برای نمونه افلاطون معتقد است که "هندسه نیز اگر روح را به توجه بسوی هستی راستین مجبور سازد برای منظور ما سودمند خواهد بود ولی اگر اثرش این باشد که توجه روح را به جهان گذران کون و فساد معطوف کند سودی برای ما نخواهد داشت. کسانی که هندسه را شغل خود ساخته اند اصطلاحاتی مضحک و تصنعی به کار میبرند و در باره هندسه چنان سخن می گویند که گویی فنی از فنون عادی است، و همه گفتارشان در باره جمع و ضرب و امتداد و مانند آنهاست. حال آنکه منظور از پرداختن به هندسه، رسیدن به شناسایی آن هستی است که هرگز دگرگون نمی شود و نه شناسایی هستی هایی که تابع زمان اند" (افلاطون، ۱۳۵۳، صص ۹-۲۶۸).

- فرم مکعب و به تبع آن مربع از نظر جملگی ادیان و مکاتب معتقد به ماوراء الطبیعه به عالم محسوس تعبیر می شود و نماد دنیاست. در عین حال مکعب ضمن نفی جهات ۶ گانه متوجه مرکز بوده و به مفهوم وحدت نمادین مستتر در شکل خویش اشاره دارد.

- یکی از نتایج اصل "توحید" اهمیت معنوی فضای خالی است (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۷۹). فضای خالی کعبه بیانگر

- از نظر مسلمین تنها کعبه است که به عنوان مرکز زمین و نقطه توجه نمازگزاران و دعاکنندگان و خوانندگان خدای سبحان فضا را قطبی می نماید. فضای حاصل از حضور کعبه فضایی کمی و هندسی نیست. این فضا فضایی کیفی است که با هندسه قدسی مرتبط بوده و به دلیل حضور امر قدسی انتظام یافته است (Nasr, 1973)، و به این ترتیب مرکزیت آن امری واقعی است.

- مرکزیت کعبه نه تنها برای زندگان که برای مردگان (از مسلمین) نیز معنادار بوده و حالت دفن آنان بیانگر توجه به سمت کعبه است. به این ترتیب جهان مردگان نیز با تمرکز بر مرکزیت کعبه جلوه ای زمینی از "انا لله و انا الیه راجعون" را به نمایش می گذارند.

مفهوم "در": در تفکرات مذهبی و دینی مفهوم "در" از ارزش والا و معنایی روحانی برخوردار است. حدیث مشهور "انا مدینه العلم و علی بابها" و همچنین لقب ائمه شیعه به عنوان "باب الله" بیانگر مفهوم "در" در تفکر اسلامی است. "در" مفهوم عبور یا مجوز ارتقاء انسان از مرتبه ای به مرتبه بالاتر است. به همین دلیل است که اصولاً در تفکر دینی "حرم" یا "معبد" به مثابه دری است که انسان را به ملکوت و عالم ماوراء هدایت می کند و به این ترتیب "در" معبد به عنوان عصاره و سمبل و رمز معبد ایفای نقش می نماید (Burckhardt, 1967). زیبایی معنوی "در" کعبه نیز از نظر مفهومی و معنایی امری مسلم است که فریاد تکبیر زائران به هنگام گشوده شدن آن و همچنین التجای حجاج به آن، ارزش آن را جلوه گر می کند. مضافاً اینکه خود کعبه نیز به مثابه دری است که ارتباط انسان را با عالم غیب برقرار می نماید.

معانی نمادین شکل و اجزاء: به منظور معرفی برخی معانی نمادین کعبه علاوه بر آنچه که در سایر مباحث ذکر می شود به دو موضوع "شکل" و "اعداد" مرتبط با آن اشاره می شود.

- عدد ۲: عدد "۲" که نماد "زوج" است مورد اشاره قرآن کریم بوده، گاهی به آن قسم یاد شده (فجر: ۳)، زمانی به عنوان جلوه ای از خلق الهی مطرح گردیده (زاریات: ۴۹، رعد: ۳، نجم: ۴۵ و قیامت: ۳۹)، در جایی به عنوان ویژگی برخی نعمات بهشتی مطرح شده (الرحمن: ۵۲-۵۰)، در مواضعی به عنوان مدت خلق زمین و همچنین زمان نظم دادن آسمانها (فصلت: ۹ و ۱۲) معرفی شده و همینطور به خلق آدمیان از یک زوج (نساء: ۱) اشاره شده است. بارزترین جلوه عدد ۲ در کعبه فضاهای "داخل" و "خارج" خانه، زوجیت وجوه خانه و ارکان آن، بناکنندگان خانه (ابراهیم و اسمعیل ع) و جمع انسان و خانه می باشند.

- عدد ۳: بارزترین مصداق عدد "۳" در تعالیم اسلامی اصول سه گانه آن (توحید و نبوت و معاد) است که اعتقاد به آنها شرط اصلی و بنیادین مسلمان بودن است. اصولاً کعبه علیرغم آنکه در بادی امر عدد ۴ را به ذهن متبادر می نماید چون اشاره به حجم (طول و عرض و ارتفاع) است، خود نمادی از عدد ۳ می باشد. به همین دلیل است که ابن عربی "بیت" (کعبه) را متشکل از سه رکن اصلی معرفی می نماید (ابن عربی، ۱۳۷۷، ص ۸). و عالم اگر چه چهار جهت است اما این چهار جهت در سه جهت (سه محور مختصات) قابل خلاصه اند (اشکال شماره ۲ و ۳).

- عدد ۴: عدد "۴" بیانگر چهار شعار بنیادین اعتقادات توحیدی است که بر ارکان چهارگانه عرش الهی نوشته شده اند. (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۸۷) مطابق نظر شیخ صدوق حاملان عرش الهی دو گروه چهار نفره از ملائکه اند که اکنون چهار ملک حامل آنند و در قیامت به هشت می رسند. (صدوق، ۱۳۷۱ ه ق، ص ۴۹). علاوه بر آن می توان به ۴ ملک مقرب الهی به عنوان مصادیق عدد "۴" در تفکر اسلامی اشاره کرد. اما در مورد کعبه: ارکان اربعه بیت از معروفترین جلوه های عدد "۴" در آن است. علاوه بر آن اشاره خانه به ۴ جهت (مرکزیت آن در عالم طبیعت) و تکرار چهار ضلعی نیز جلوه هایی از عدد "۴" در کعبه هستند.

- عدد ۵: برای عدد "۵" نیز در فرهنگ اسلامی مصادیق ارزشمندی قابل شناسایی است، مثل: حدیث کساء، تعداد پیامبران اولوالعزم ع، نمازهای پنجگانه و "۵ هزار ملک یاری کننده (آل عمران: ۱۲۵). ۵ حس ظاهر و ۵ حس باطن انسان از معانی ۵ هستند که جمعاً تحت عنوان ده برج در آثار سهروردی به آن اشاره شده است. تعبیر "۵ پدیده" نیز در رساله صغیر سیمرغ سهروردی به این دو گروه از حواس انسان اشاره دارد. مصداق بارز عدد "۵" در کعبه پنج سطح خارجی آن و مرکز آن در مقایسه با مراکز وجوه پنجگانه خارجی که مرکز پنجم نامیده می شود، هستند.

- عدد ۶: در فرهنگ اسلامی عدد "۶" ایام خلق کل عالم هستی است (یونس: ۳ و هود: ۷). علاوه بر آن این عدد نماد عالم طبیعت است چنانچه سهروردی در رساله فی حقیقه العشق از

حضور در محضر الهی و برداشته شدن حجاب طبیعت است. بر این فضا نور الهی به باطن انسان می تابد و الوهیت و وحدت وی را به انسان متذکر می گردد. تنها خلأ و یا فضای تهی از هر بشی مادی است که می تواند ذهن دنیابین انسان را بطور نمادین متوجه حضور الهی نماید. در حقیقت نفی و فقدان اشیاء در فضا "مظهر تنزه و تعالی پروردگار و حضور او در تمام اشیاء اہست" (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۸۰).

۱ - "وجه تسمیه کعبه به این نام از آن حیث است که چهار گوش و مربع است به دلیل آنکه به محاذات بیت المعمور در آسمان دنیاست و آن نیز به محاذات ضراح در آسمان چهارم است و آن هم به محاذات عرش الهی است که مربع و چهار گوش است زیرا کلماتی که دین اسلام بر مبنای آنها استوار گردیده است چهار تا است" (قمی، ۱۳۷۸، ص ۳). از امام حسن (ع) روایت شده که نبی مکرم اسلام (ص) در پاسخ به یهودیان فرمود که "چون ابراهیم (ع) خانه کعبه را ساخت خداوند کلمات "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" را برای او برگزید و به خاطر همین ۴ کلمه بود که کعبه چهار گوش ساخته شد. همین روایت "کعبه" نامیدن خانه را نیز به علت وجود آن در وسط دنیا معرفی می کند" (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۸۷).

۱ معانی نمادین اعداد مرتب: "عدد نشانه رمزی از ارتباط بین ماده و معنی است. هندسه و ریاضیات لولای علوم مادی و علوم ماوراءالطبیعه است. ریاضیات نقشی پر اهمیت در بیان زیبایی و حقیقت دارند" (ندیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۶). علم عدد از نظر مکاتب منسوب به متألهین به عنوان علمی پر رمز و راز که کثرت عالم را به وحدت پیوند می دهد شناخته می شود. برای نمونه "علم عدد در نظر اخوان الصفا طریق وصل به عالم توحید و حکمت ماوراءالطبیعه است. علم اعداد در نظر اخوان صفا حکمت الهی است و ماوراء عالم جسمانی است و اشیاء از روی نمونه اعداد به وجود آورده شده است" (نصر، ۱۳۵۹، صص ۸۰-۷۸). علاوه بر معنایی که برای اعداد به طور عام متصور است و عالم اصلی به اعداد [و معنای آنها]، خداوند تبارک و تعالی است که به شماره همه موجودات آگاه است (مریم: ۹۴)، در بسیاری مکاتب و از جمله تفکر اسلامی برخی اعداد خاص با معانی ویژه نیز وجود دارند. با این توضیح که در اینجا تنها به ذکر برخی معانی نمادین اعداد ۱ تا ۱۰ در منابع اسلامی که در مورد کعبه قابل طرح هستند بسنده شده است:

- عدد ۱: عدد "۱" نماد بارز تفکر توحیدی است که رکن بنیادین همه ادیان الهی است. در مورد سایر مصادیق "۱" می توان به خلق انسان از نفس واحد (نساء: ۱ و انعام: ۹۸ و زمر: ۶) اشاره کرد. برای مصادیق عدد "۱" در مورد کعبه می توان به تعلق آن به خدای یگانه، به وحدتی که در تفکر توحیدی ابراهیم مطرح است، به یکی بودن خانه، به حجرالاسود یگانه کعبه، به یک مرکز داشتن آن، به یک در داشتن آن و به همه اجزای یگانه آن به عنوان معنای نمادین و معنوی عدد "۱" اشاره نمود.

۲- زیبایی محسوس کعبه

کیفیات زیبایی که می توان در کعبه شریف حس نموده قرار زیر است:

تعادل: تعادل (که منبعث از عدل است) به خصوص در تفکر اسلامی از اهمیت در خور توجهی برخوردار است که: خداوند آسمان و زمین را بر مبنای عدل بر پا داشته است (بالعدل قامت السموات والارض). تعادل به عنوان یکی از اصلی ترین بارزهای فعل الهی و همینطور ویژگی آثار زیبای ساخته انسان به طرز بارزی در ساختمان کعبه مشهود است. فرم مکعب از جهات مختلف، ایستایی و استحکام و تعادل کمی و ریاضی و کالبدی را به ناظر القا می نماید. فضای مسقف (داخل کعبه) و باز آن (حجر اسمعیل که ذکر آن خواهد آمد) نمایش زیبایی از تلفیق متعادل این دو گونه فضا در ایجاد عنصر واحدی است که طواف به دور آن مقرر گشته است.

تقارن: تقارن از اصول بنیادین زیبایی شناسی است که به ویژه متألهین به جهت تظاهر آن در مخلوقات الهی و بالاخص در انسان که اشرف مخلوقات الهی است توجه خاص به آن مبذول می دارند. با توجه به شکل کعبه که بطور عام شکلی متقارن است می توان تقارن شکلی و ظاهری را به آن اطلاق نمود. تقارن کعبه از سه جهت از جهات چهارگانه آن حتی از نظر ظاهری محسوس است. وجوه مختلف کعبه و آنچه که ناظر از چهار سمت آن می بیند به شرح زیر است (شکل ۱):

- "وجه" بین دو رکن مغربی و شامی (مقابل حجر اسماعیل)، با وجود ناودان رحمت در وسط آن، سیمایی متقارن را به نمایش می گذارد.

- در مقابل وجه بالا (بین رکن حجرالاسود و رکن یمانی)، نیز با چشم پوشی از ثقل معنوی رکن حجرالاسود و با توجه به نمایان بودن پایه های هر دو رکن (در زمانی که کسوه تا پایین خانه است) نمایی متقارن جلوه گر می شود.

- جهت سوم "وجه" بین دو رکن یمانی و مغربی است، که در این جهت نیز سیمایی کاملاً متقارن از خانه به چشم می آید.

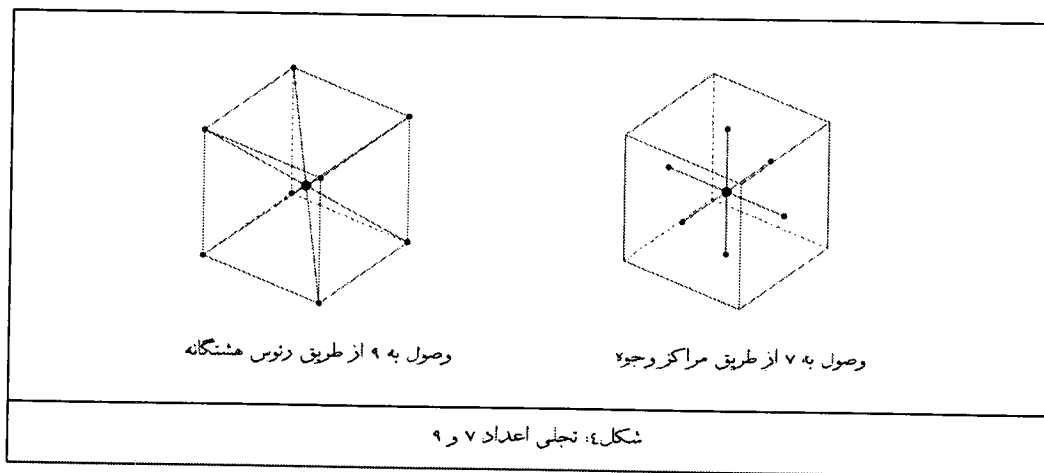
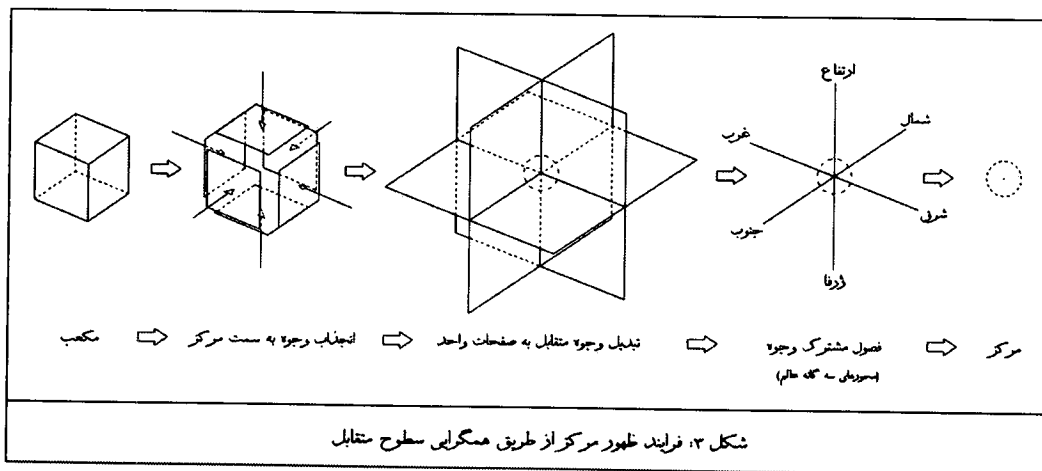
- تنها در وجه چهارم است که با حضور در خانه و تمایل آن به سمت رکن حجرالاسود تعادل ظاهری آن به هم خورده است ولی همین عدم تقارن بصری همانگونه که در بحث تنوع خواهد آمد خود عامل هویت و زمینه تفکر است که چرا؟ "در" به حجرالاسود نزدیک است و به محل پذیرش توبه آدم. یعنی اینکه همه اینها در مجموع تشکیل یک نقطه داده اند یعنی که قرابت و یگانگی آنها.

آن به "زندان شش جهت" تعبیر می نماید. در همین رساله در تعبیری "طناب" را به شش جهت نیز اطلاق نموده است (سهروردی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸). در مورد مصادیق عدد "۶" در کعبه می توان به شش وجهی بودن آن (۶ سطح داخلی آن) اشاره کرد که خود نمودی از عالم وجود و جهان مادی است که در مکعب خلاصه می شود.

- عدد ۷: عدد هفت عدد تبرک است. عدد "۷" در فرهنگ و تعالیم اسلامی معانی نمادین ارزشمندی را به ذهن متبادر می نماید: طبقات آسمان ها و زمین (اسرا: ۴۴ و حجر: ۸۷). عدد "۷" که نشانه روز هفتم و روز پس از خلقت عالم است، یادآور استوای خداوند تبارک و تعالی بر عرش است (یونس: ۳). علاوه بر آن رمی شیطان با ۷ سنگ و همچنین طوافهای سبعمه حاکی از ارزش این عدد است. حکمای اسلام عقیده دارند که این عدد به ۷ عضو باطنی و همچنین به ۷ اندام و همینطور به مجموعه حواس پنجگانه به اضافه روح حیوانی و خیال اشاره دارد. بارزترین مصداق عدد "۷" در مورد کعبه را در ۷ طواف برگرد آن و همچنین در مراکز ۷ گانه آن می توان مشاهده کرد. به این ترتیب که هر کدام از وجوه ۶ گانه کعبه را مرکزی است که به اضافه مرکز کعبه که جمعا ۷ مرکز را داراست.

- عدد ۸: بارزترین نماد "۸" در تفکر اسلامی حاملان عرش الهی است، که حاملان عرش الهی در قیامت ۸ ملک هستند (صدوق، ۱۳۷۱ ق، ص ۴۹). عدد "۸"، عدد درهای بهشت است. بارزترین مصداق عدد "۸" در کعبه، هشت گوشه آن است. - عدد ۹: که در تفکرات حکمای مسلمان معنای افلاک نه گانه است. به عنوان نماد [جمع] هفت فلک سیارات و فلک ثوابت و فلک الافلاک (کوشک نه اشکوب) مورد اشاره سهروردی است (فی حقیقه عشق).^۲ بارزترین جلوه عدد "۹" در کعبه نماد مرکز خانه است که به مثابه مرکز عالم می باشد. این نقطه نهم پس از شمارش "۸" رأس آن و از وصل شدن آنها به یکدیگر به دست می آید. این مرکز یا مهم ترین مرکز همان نقطه نهم یا مرکز کعبه و به عبارت بهتر مرکز عالم است، که اعداد "۱" و "۵" و "۷" را نیز (چنانچه گذشت) در خود مستتر دارد.

- عدد "۱۰": طبق نص قرآن کریم عدد "۱۰" عدد کامل است (بقره: ۱۹۶)، و نه تنها عدد کامل است که کامل کننده نیز هست (اعراف: ۱۴۲). علاوه بر آن هم به مصداقی از آن (فجر: ۲) قسم یاد شده و هم اینکه اعداد مبارکی چون ۴۰ (بقره: ۵۱) و ۷۰ و ۱۰۰۰ (قدر: ۳) مضارب عدد ۱۰ هستند. طبق نظر مکتب مشاء عقول طولیه دهگانه اند. از مصادیق عدد "۱۰" که با کعبه مرتبط است می توان به روز دهم ذی الحجه (عید قربان) اشاره کرد که هم عید است و هم یادآور تاریخ توحید و هم اشاره به مقام رضای ابراهیم ع.



هماهنگی: هماهنگی به انحاء مختلف در ساختمان کعبه مشهود است: هماهنگی با طبیعت و محیط اطراف به جهت استفاده از مصالح بومی، هماهنگی فضای باز و بسته آن، هماهنگی شکل آن با مقصودی که از ساختن آن متصور است، هماهنگی با عناصری که به عنوان اصل آسمانی آن معرفی می‌شوند، هماهنگی ابعاد و تناسبات اجزاء آن و هماهنگی حضور حجرالاسود و حجراسمعیل در طرفین خانه.

توازن: توازن که به ویژه در زیبایی های بصری اصل بنیادینی است در نماهای مختلف کعبه کاملاً محسوس است. تنها وجه شمال غربی آن است که به دلیل حضور در و حجرالاسود (که تراکم انسانی را سبب می‌گردد) علی الظاهر از توازن خارج است که این امر نیز تذکر مهم تری را به انسان القا می نماید و آن اهمیت روحانی و متافیزیکی کعبه (راه دخول به داخل خانه و حضور سنگی از بهشت) است. ضمن آنکه وجود حجر اسمعیل در جانب دیگر که به جهت داخل خانه تلقی گردیدن، مردم را به خویش می خواند توازنی دیگر برقرار می‌شود.

سادگی: در مورد سادگی کعبه قابل ذکر است که شکل مکعب آن ساده ترین شکل شناخته شده مادی و دنیایی است که نماد جهان محسوس است. ساختمان کعبه با مصالح محدود بومی (سنگ و ملات) بنا شده است. علیرغم عظمت و شرافت معنوی کعبه، کعبه به هیچوجه از نظر شکل مادی و زینت ها و ابعاد پر هیبت و فضاهای سنگین و مصالح ویژه و نادر و تناسبات فوق انسانی که ویژگی بسیاری معابد در سراسر جهان و در طول تاریخ بوده است، خویش را به انسان که خلیفه الهی است و بر بسیاری موجودات کرامت داده شده است (اسراء: ۷۰)، تحمیل نمی نماید. در واقع احساس فقر انسان در برابر غنای صاحب خانه و احساس تذلل او در برابر خالق خویش امری حقیقی و آگاهانه و معنوی است و نه موضوعی اجباری و تحمیلی که از طریق شکل و تناسبات به انسان تحمیل شود.

آرامش بخشی: فرم کعبه علیرغم آنکه بدون کشش و بوده و به نظر فرمی غیرقطبی می باشد، به دلیل ماهیت خویش جهان را قطبی نموده است. این موضوعات (یعنی فرم غیرقطبی کعبه و قطبی کردن جهان که ماهیتاً به دلیل امری معنوی است) به عنوان مهم ترین عوامل القای آرامش به انسان ایفای نقش می‌نمایند.

عبارت است از احساس پیوستگی با گذشته و آینده (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۲۱۱). کعبه از مکان‌هایی است که با معنا و تاریخ خویش به بهترین و زیباترین وجه پاسخگوی این نیاز است. مکان کعبه از قدیم‌ترین مکان‌های شناخته شده عالم از زمان حضرت آدم (ع) است (طبری، ۱۳۶۲، ص ۷۴). در خبر است که "کشتی [نوح] همه زمین را گردش نمود تا به مکه رسید و هفت بار گرد خانه گشت" (یعقوبی، ۱۳۶۲، ص ۱۳). در معنای عتیق و علت عتیق نامیده شدن این خانه نیز آمده است که در طوفان نوح جملگی زمین به زیر آب فرو رفت به جز کعبه (مجمع البیان، به نقل از حسینی کشکوییه، ۱۳۷۲، ص ۴۶). اما خود ساختمان نیز قدیم‌ترین است و قدمت آن قبل از بیت المقدس است که توسط سلیمان نبی ع بنا شده است (طباطبایی، ۱۳۴۶، ص ۲۵۲). خداوند پس از پذیرش توبه آدم ع "از بهشتی که آدم در آن بود برای او حجرالاسود را فرفرستاد و آدم را فرمود تا آن را به مکه برد و برای او خانه ای بسازد" (یعقوبی، ۱۳۶۲، ص ۴). "ابراهیم و اسماعیل پایه‌های کعبه را بر افراشتند تا به جای حجر (الاسود) رسید آنگاه ابراهیم را کوه ابوقبیس (کوهی در مجاورت کعبه) ندا کرد که تو را نزد من امانتی است پس حجر را به ابراهیم داد تا آن را بجای خود نهاد" (یعقوبی، ۱۳۶۲، ص ۲۷).

هدایت: تعالیم قرآنی صراحتاً کعبه را عامل هدایت همه مردم معرفی می نماید (آل عمران: ۹۶) چون کعبه را مایه هدایت انسان‌ها نامیده است پس می توان از او طلب هدایت کرد. هدایتی که در آیه شریفه فوق به آن اشاره شده طبق نظر مفسرین مربوط به جامعه انسانی است.

مذکر بودن: تماس با عناصر تذکر دهنده زمینه و عامل ظهور علم حضوری و شکوفایی دانش‌های شهودی است به این ترتیب که تذکر انسان را به تبیین مطالب فطری و احیای خاطره‌های درونی خویش هدایت می نماید (جوادی آملی، ۱۳۶۶، صص ۸-۱۴۶). ویژگی‌هایی که برای کعبه ذکر می‌شود مثل هدایتگری، قبله بودن، قدمت، انتساب به خدا، مبارک بودن و سایر صفات همگی آنرا به مثابه عاملی برای تذکر انسان و برای یادآوری مبانی معنوی متجلی می سازد.

اولین خانه: در قرآن کریم نیز آمده است: "اول خانه ای که جهت عبادت گاه مردم نهاده شد خانه مکه است که در آن برکت و هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌هایی روشن است: مقام ابراهیم، که هر کس در آنجا داخل شود ایمن باشد" (آل عمران: ۷-۹۶). "هنگامی که آدم ع از نشنیدن صدای تسبیح فرشتگان شکایت به خدا برد، "فرمود: ای آدم من خانه ای برای تو فرود آوردم که بر آن طواف بری همچنانکه به دور عرش من طواف برند و به نزد آن نماز کنی چنانکه به عرش من نماز کنند" (طبری،

تنوع: کعبه در عین حالی که عنصری منظم و ساده و متقارن و متعادل است و وجوهی تقریباً یکسان دارد، مبین تنوع نیز هست. تمایز آن با عناصر معماری رایج و تقابل شکلی آن با محیط کوهستانی و نامنظم پیرامون خویش (در عین حالی که از مصالح بومی بنا شده) تنوع غیر قابل انکاری را به نمایش می‌گذارد.

وحدت: جملگی اصولی که ذکر شد به نحوی از انحاء به مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل زیبایی (وحدت) مربوط شده و به آن گواهی می دهند. وحدتی که کعبه به بارزترین وجه نمایشگر آن است وحدت دنیا و آخرت، وحدت اشکال در عین کثرت آنها، وحدت انسان با طبیعت، وحدت جامعه بشری در طول زمان، وحدت خالق، وحدت رویه انسان‌ها، و بسیاری مصادیق دیگر وحدت می باشد. کعبه که عاملی در جهت بروز وحدت امت اسلام و جامعه بشری و تجلیگاه و موجد انواع تعاون‌ها و یاری‌های اجتماعی است به مثابه عنصری زیبا جلوه‌گر می‌شود (جعل الله الکعبه بیت الحرام قیاما للناس، مائده: ۹۷).

۳- زیبایی‌های خاص کعبه

علاوه بر ویژگی‌هایی که برای دو مرتبه از زیبایی معقول و محسوس کعبه ذکر شد، با عنایت به نظرات مطرح در تعالیم اسلامی در مورد کعبه، ویژگی‌های دیگری برای زیبایی آن قابل ذکر است:

انتساب به خدا و مردم: همچون انسان که به روح الهی مفتخر است و به آن کرامت یافته است، کعبه نیز با انتساب به حضرت حق، خانه او (بیت الله) معرفی شده و به این ترتیب شرافت و عظمت یافته است. کعبه عامل آگاهی و هدایت نه تنها مسلمین که کلیه آدمیان شمرده شده است (آل عمران: ۹۶). انتساب کعبه به خداوند تنها امری قراردادی نیست و دخالت الهی در مراحل مختلف ایجاد آن (اعم از دستور ساخت و انتخاب سازندگان و مکان آن) نقش اصلی را ایفا نموده است. طراح خانه خداوند است: "چون خدایتعالی به ابراهیم دستور داد کعبه را بسازد و او نمی دانست خانه را کجا بنا کند، جبرئیل را فرستاد تا نقشه خانه را بکشد" (طباطبایی، ۱۳۴۶ الف، ص ۱۳۶). نه تنها در زمان ابراهیم ع، که حتی در عهد آدم ع نیز محل دقیق خانه و شکل آن سوی خداوند تبارک و تعالی به آدم نشان داده شد. خداوندی که زیباست و زیبایی را دوست دارد بی گمان زیباترین عنصر مادی را به عنوان خانه خویش برگزیده است.

ارتباط با گذشته: یکی از آرمان‌های معقول ما که اگر در جهان عینی تجسمی پیدا کند، زیبایی را به وجود می آورد،

نمود. امام ابی جعفر ع در پاسخ این سؤال که چرا خداوند خانه کعبه را بیت العتیق نامید؟ می فرماید: خداوند خانه را از قید ملکیت انسان ها آزاد کرده، هیچکس مالک آن نشده است (طباطبایی، ۱۳۶۳ ج، ص ۲۵۵). معنای دیگر عتیق (مشتق از عتق) به معنای آزاد شده از قید و تسلط ستمکاران است (خمینی، ۱۳۷۷) که این نیز دلیلی دیگر بر آزادی و در نتیجه زیبایی خانه است.

اشاره به زمان های مقدس: کعبه با تذکر تاریخش، زمان‌هایی را یاد آور می شود که از تقدس برخوردارند. لحظات بزرگی چون پذیرش توبه آدم، پذیرش قربانی ابراهیم ع، طواف انبیاء، نابودی سپاه ابرهه، نصب حجرالاسود توسط پیامبرص، تولد حضرت امیر ع در کعبه، فتح کعبه و فرو ریختن اصنام، که مبین ارتباط زمان های مقدس با این مکان مقدس بوده اند. بر همه اینها می توان افزود دهم ذالْحجّه هر سال را که زمان اجتماع بزرگ مسلمین است. و بالاخره کعبه که زیارت آن واجب گردیده عامل حرام نامیده شدن ماهی است که عید اضحی در آن قرار گرفته است. باین ترتیب علاوه بر زیبایی معنوی ایام الله و زمان‌های مقدس، زیبایی صلح و دوستی و مودت نیز جلوه‌ای از زیبایی کعبه هستند.

اشاره به مطلق: با اتصال انسان به کعبه و تذکر و اشاره آن به مطلق، احساس ارتباط با حقیقت مطلق برقرار شده و بدینوسیله آرامشی روحانی بر انسان مستولی می گردد. به این ترتیب تمسک به حقیقتی مطلق زمینه ساز زیبایی می گردد و این در حالی است که رد حقیقت مطلق و پیروی از فلسفه نسبیت انسان را دائماً در تزلزل و نگرانی بروز تحولات نگه می دارد.^۲

حضور: خانه کعبه چون فضای زمین را قطبی می کند مجموعه ای نامرئی از "خطوط قدرت" را به وجود می آورد که جملگی نقاط محیطی را به مرکز دعوت می کند، حضوری فراگیر در همه عالم دارد. کعبه نه تنها جهت ساختمان مساجد و شهرهای مسلمین را تعیین می کند که فراتر از آن سمت و سوی فضا را نیز تعریف می نماید (Nasr, 1973) اصولاً در تفکر دینی تمایزاتی را برای مکان ها و فضاهای مختلف می توان برشمرد و به همین دلیل است که بسیاری از بزرگان اصولاً مکان را عامل مهمی در هدایت دانسته و برای آن آثار معنوی قائل بوده‌اند چنانچه زمخشری در تفسیر کشاف به عدم غفلت از آثار مکان ها توصیه نموده و می گوید "آن کس که مجاور خانه کعبه باشد می فهمد که یک آثار معنوی در این مجاورت هست که در غیر آن مکان نیست (بنقل از مطهری، ۱۳۵۹، ص ۵۸).

نمادی از اصلی معنوی: با عنایت به آنچه که در باره قدمت و چگونگی ساخت خانه کعبه ذکر شد و رابطه آن با بیت المعمور

۱۳۶۲، ص ۷۴). و این قبه همچنان ببود تا آنکه در طوفان نوح که دنیا غرق در آب شد، خدای تعالی آن را بالا برد و از غرق شدن حفظ کرد و به همین جهت کعبه را بیت عتیق (خانه قدیمی) نام نهادند" (طباطبایی، ۱۳۴۶ الف، ص ۱۳۷).

دو بعدی بودن: همچون انسان که کالبد مادی وی با نفخه روح الهی جان گرفته و نسبت به سایر موجودات کرامت یافته، ساختمان کعبه نیز که از ماده است با سنگی از بهشت (حجرالاسود) ارزش و شرافت یافته و در حقیقت ماده این دنیا در مجاورت با صورت بهشتی خویش از مادیت رسته و ارزش زیارت و قبله شدن یافته است. موضوع دیگری که بر دو بعدی بودن کعبه تأکید می کند اختصاص آن به خداوند است، همانند روح انسان که به خداوند نسبت داده شده است. علاوه بر آن با توجه به اینکه پوشاندن یک بنای مقدس با لباس به مثابه تلقی کردن آن همچون موجودی زنده است (بورکهارت، ۱۳۷۲، ص ۳۷)، می توان نگرش موحدین به کعبه را استنتاج نمود.

وجود حجر اسمعیل: وجود حجر اسمعیل (فضای باز بدون سقف) در مجاورت کعبه عنایت الهی به بندگان است. از آنجایی که حجر اسمعیل باید داخل طواف قرار گیرد، بنابراین جزء خانه است و چون همه افراد می توانند داخل آن شده و به عبادت بپردازند به این ترتیب امکان ورود همه افراد به داخل خانه (در عین بسته بودن در خانه) فراهم آمده است. برای اینکه رسول خدا (ص) از پشت دیوار حجر طواف می کرد و حجر را داخل طواف می ساخت. خدایتعالی هم فرموده: و لیطوفوا بالبيت العتیق (المیزان، ج ۸، ص ۲۵۶).

محل خیرات الهی: کلمه "مبارکه" [آل عمران: ۹۶] از برکت است که به معنای خیر کثیر می باشد. راهنما بودن کعبه برای جهانیان به واسطه نشان دادن سعادت آخرتی آنان و رسانیدنشان به کرامت قرب الهی است (المیزان، ج ۶، ص ۲۵۲). "برکت فیض الهی است که در شریان های عالم هستی جریان دارد" (نصر، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹). از سوی دیگر خانه کعبه که به محاذات عرش الهی و بیت العمور در آسمان بنا شده است می تواند به عنوان نمادی از نزول برکت (وحی) الهی بر زمین و زمینیان شناخته شود.

آزادی: هیچکس در زیبایی آزادی تردیدی به خود راه نمی دهد و برای کعبه مراتبی از آزادی را می توان ذکر کرد: "برخی گویند علت اینکه "عتیق" نامیده شده، اینست که در موقع طوفان نوح همه جا را آب فرا گرفت جز این نقطه که آزاد بود" (طبرسی، ۱۳۵۴، ص ۲۰۷). و با عنایت به آزادگی کعبه (که ملک هیچ کسی نبوده و امکان تملکش نیز وجود ندارد) می توان آنرا یکی از بارزترین جلوه های آزادی در عالم معرفی

کعبه هستند که اندکی تفکر آن را جلوه گر می نماید. حجرالاسود یکی از بارزترین نشانه های لازم الرعایه موجود در کعبه است که به عنوان نقطه شروع اشواط هفت گانه طواف می باشد.

مبارک بودن: مبارک بودن خانه که به عبارتی معرفی کعبه به عنوان محل خیرات الهی است صراحتاً در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است (آل عمران: ۹۶) مرحوم علامه طباطبایی در توضیح کلمه مبارکه می فرماید: "مفاعله از برکت است، که عبارت باشد از خیر کثیر" (المیزان، ج ۶، ص ۲۵۳). صفت مبارک برای خانه متضمن برکت از سوی خانه است که این برکات هم مشتمل بر برکات معنوی (کانون وحدت، مرکز ایمان، محل جذب های الهی) و هم برکات مادی (فراهم آمدن شرایط زندگی علیرغم سختی شرایط اقلیمی و محیطی، ابراهیم: ۲۷) می باشد که هر کدام از اینها خود به نوعی تأکیدی بر زیبایی هستند.

فقدان شمایل ها: حذف شمایل و یا هر گونه شیء و عنصری که ذهن را به خود مشغول نماید زمینه ای برای فضا و سطح خالی و تهی است که این خود به عنوان عامل ارتباط انسان با اصل متافیزیکی توحید و درک و شناخت آن می باشد. در واقع این فرایند حاکی از تذکر این نکته بنیادین به مسلمین است که "بهر طرف روی کنید، به سوی خدا رو آورده اید" (بقره: ۱۱۵).

فضای خالی: فضاها و سطوح خالی کعبه و اجزاء آن عبارت از: فضای داخل خانه، فضای بین خانه و مقام ابراهیم ع، فضای حجر اسمعیل ع، سطوح دیوارهای خانه و قسمت های بسیاری از کسوه (لباس خانه) می باشند. این تهی بودن فضا که در فضاهای معماری و شهرهای مسلمین نیز به وضوح به منصفه ظهور رسیده است الهامی است از کعبه و نشانه تئزیه الهی از تجسم و تجسد مادی.

جاذبه کعبه: یکی از اصلی ترین صفات عنصر زیبا جاذبه آن است. این موضوع را غالب افرادی که با کعبه مواجه شده اند با شدت و ضعف های متفاوت درک کرده اند. جاذبه کعبه در کلام امام الموحدین ع به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است: "و خداوند حج خانه خود را بر شما واجب گردانید و خانه خود را قبله گاه مردم ساخت. مردم با شوق تمام، انسان که ستوران به آبشخور روی نهند و کبوتران به آشیانه پناه برند، بدان در آیند (نهج البلاغه، خ اول، ص ۴۱-۴۰).

جمع شدن با انسان: کعبه به انحاء مختلف با انسان رابطه برقرار می نماید. رابطه ای که به وضوح دو طرفه است. مطابق سخن مولی الموحدین ع حجرالاسود به مثابه موجودی با حواس انسانی تلقی می گردد (علل الشرایع، به نقل از حسینی کشکوییه، ۱۲۷۲، ص ۲۴۹). ترکیب فرم کعبه و شکل طواف حاجیان مجموعه واحدی را به نمایش می گذارد. برای بگه که در

می توان گفت که اولاً اصل و الگویی آسمانی دارد و ثانیاً هم ساختمان آن نماد عمارتی در آسمان است و هم طواف کنندگان آن نمادی از طواف کنندگان آسمانیند. وجه تسمیه کعبه به جهت آن است که این خانه مربع شکل مقابل بیت المعمور در آسمان واقع شده که مربع است و بیت المعمور نیز مقابل عرش واقع است که آن نیز مربع شکل می باشد (منهج الصادقین، به نقل از قره چانلو، ۱۳۶۲، ص ۴۱).

آزمایش: کعبه که به مثابه وسیله آزمایش انسان ها از ابراهیم ع تا مسلمین همه ادوار تاریخ جلوه نموده است زیبایی لحظه وصال و زمان بار یافتن بنده خداوند (عبدالله) به محضر کبریایی اوست که هم با چشم تن قابل رؤیت است و هم دیده بصیرت آن را می بیند. به این ترتیب نتیجه مثبت آزمایش و یا به عبارتی سربلند درآمدن انسان از آزمایش الهی که مبین احراز عبودیت اوست جلوه زیبایی رابطه انسان با خالق خویش است.

بخشندگی: کعبه نیز که جهت محل التجا و توجه انسان و محل نزول و مکان ارتباط با برکت الهی است با عنایت به معنایی که برای "عتیق" (صفت مذکور برای کعبه در آیه ۲۹ سوره حج) ذکر شده و آن صفت "کریم" است می توان صفت زیبایی بخشندگی را نیز برای آن مورد توجه قرار داد. چنانچه معنای دیگری که برای عتیق ذکر می شود "کریم" است (حسینی کشکوییه، ۱۳۷۲، ص ۴۵).

پاکی: پاکی خانه که در آیه ۱۲۵ سوره بقره مورد تأکید قرار گرفته است از بسیاری جهات قابل توجه است. حاصل چشم پوشی ابراهیم از دنیا و سیر عبودیت او که از نفس بنده شروع شده و به قرب خدا می رسد (طباطبایی، ۱۳۴۶ الف، ص ۱۵۳). علاوه بر آن از آنجایی که خانه خالص برای عبادت مقرر گردیده است به نوعی حاکی از پاکی و تطهیر آن می باشد (طباطبایی، ۱۳۴۶ الف، ص ۱۲۶) که یکی از بارزترین وجوه و زمینه زیبایی است. بر همه اینها می توان افزود طهارت ناشی از عدم حضور مشرکان را که با برائت الهی از آنان اجازه حضور در حرم را ندارند (آیات ابتدای سوره توبه). و زیبایی معنوی فقدان شرک و کفرکه بر کسی پوشیده نیست.

حضور حجرالاسود: وجود حجرالاسود با صفاتی که برای آن ذکر می شود یکی از عوامل اصلی زیبایی کعبه است. حجرالاسود که منشاء آن بهشت (یا آسمان) ذکر می شود مطابق روایات اسلامی دست خدا در زمین است (الحجرالاسود یمین الله فی ارضه، راغب، به نقل از خمینی، ۱۳۷۷، ص ۴۵). همانگونه که حجرالاسود دست خداوند در زمین معرفی شده، خود کعبه نیز میثاق خداوند سبحان در زمین قرار داده شده است. توجه به این مضامین که حکایت از معنای معنوی و باطنی و مقام شرافت روحانی کعبه و اجزاء آن دارد همگی گواهی بر زیبایی

در نماز می گزارد. محمد ص در همان آسمان و در مجاورت بیت المعمور ابراهیم ع را ملاقات می کند. حدیث معروفی می گوید نماز معراج مؤمن است. به این ترتیب این معنای نمادین بسیار زیبا به سادگی قابل استنتاج است که نمازی که توسط مؤمن رو به کعبه گزارده می شود جلوه ای و یا قسمتی از معراج محمد ص است که در آسمان هفتم در مقابل بیت المعمور نماز می گزارد.

عامل مدنیت و حیات مدنی: کعبه زمینه ساز و علت اصلی ایجاد و رشد مدنیت و حیات مدنی و انسانی در منطقه ای خشک و لم یزرع و بی آب و گیاه است، به عبارت دیگر کعبه نه تنها عامل ایجاد و رشد شهر مکه و جامعه مکی در طول تاریخ بوده که فراتر از آن زمینه ساز ایجاد تمدن بزرگ اسلامی نیز بوده است. علاوه بر آن قبل از اسلام وجود کعبه و زایرانی که از اقصی نقاط عالم آن روزگار به آنجا می آمده اند سبب تأسیس مؤسسات مدنی در جامعه بدوی آنروزگار حجاز بوده است (جرجی زیدان، ۱۳۷۲). به این ترتیب ریشه های زیبایی مدنیت و اجتماع را در وجود کعبه شریف می توان جستجو نمود. مدنیتی که ویژگی های بارز آن مثل امنیت و وفور رزق، مصونیت در مقابل شیطان، برپاداشتن نماز و میل دل ها به آن از سوی بنیانگذار خانه حضرت ابراهیم ع از خداوند مسئلت گردیده است (ابراهیم: ۷-۲۵). و از همین جاست که می توان بسیاری از ویژگی های شهر و محیط زندگی مطلوب اسلامی را نیز استنتاج نمود.

آیه ۹۷ سوره آل عمران به خانه اطلاق شده دو معنی ذکر می شود که هر یک که مد نظر باشند حکایت از ارتباط کعبه با انسان دارد. یکی "بدین جهت که بکه از ماده (ب ک) به معنای ازدحام و اجتماع است. و معنای دیگر "بکه" از بین بردن غرور و نخوت است و چون در این خانه بزرگ همه تبعیضات کنار می رود و همه دور از غرور و نخوت با هم برادر و اعضاء یک خانواده می شوند، به آن بکه گفته اند" (خمینی، ۱۳۷۷، ص ۲). در عین حال متروک و تنها نهادن کعبه غضب الهی را در پی دارد چنانچه علامه طباطبایی ره در تفسیر آیات ۲۵-۲۴ سوره انفال می گوید: "از این دو آیه استفاده می شود که خانه محترم کعبه هر وقت بخاطر جلوگیری از اشخاصی متروک بماند مؤاخذة و عذاب الهی را بیار می آورد" (طباطبایی، ۱۳۶۳ الف، ص ۱۱۷).

عامل معراج مؤمن: در زمینه تجلی زمینی بیت المعمور و به عبارتی معنای نمادین کعبه علاوه بر آنچه که ذکر شد می توان به رابطه آن با برخی بزرگان و همچنین آیین ها و وقایع بزرگ و سرنوشت ساز اشاره کرد که اهم آنها عبارتند از: محمد ص، ابراهیم ع، بیت المعمور، معراج، نماز و کعبه. به جهت احتراز از اطالة کلام جملات کوتاهی در باب این عوامل ذکر شده و جمع بندی نهایی به خواننده فرهیخته واگذار می شود. ابراهیم ع تجدید کننده ساختمان کعبه است. محمد ص به معراج می رود. نماز در معراج به محمد ص تعلیم شده و او مقابل بیت المعمور

نتیجه گیری

مضاف بر همه فواید و ثمراتی که به خاطر وجود کعبه در عالم برای انسان متصور است و علاوه بر همه نتایج حاصل از تماس انسان با کعبه برای ارتقای کیفی حیات انسان می توان از آن به عنوان منبع الهامی برای فرآورده های انسانی و از جمله هنرهای وی یاد نمود. و البته این امری جدید نیست که مسلمین همواره آن را به جد مورد توجه قرار داده اند که رسالات و تحقیقات نگاشته شده در باب تاریخ هنر و معماری اسلامی مبین آن هستند. سخن از کعبه نه تنها به عنوان تیمن و تبرک در جمع معماران و هنرمندان مسلمان سخن آغازین بوده است که در عمل نیز به صورت مختلف (مثبت و منفی: فضای باز و بسته) در معماری مسلمانان ظاهر شده است. نمونه بارز آن مساجد و بخصوص مساجد چهار ایوانی، خانه های مسلمانان، مدارس، حسینیه ها و تکایا میباشند که بسیاری از آنان ملهم از شکل این عنصر مقدس می باشند. به این ترتیب یادگیری و الهام از کعبه در معماری و هنر مسلمین دارد می تواند در عین کثرت و تنوعی که در معماری وجود دارد عامل وحدت نیز باشد.

اصولاً نام کعبه به جهت امکان اطلاق "مکان مقدس" به آن، از زیبایی و جلال و جمال معنوی برخوردار است که اهل معنا به این بُعد از زیبایی آن توجهی تام دارند. این وجه از زیبایی از نظر معتقدان به ماوراءالطبیعه و انانی که کیفیت و قطبی بودن مکان را باور دارند امری محرز است.^۴ با عنایت به امکان تعریف زیبایی از دیدگاه های گوناگون، زیبایی کعبه در حملگی ساحت ها قابل شناسایی و تعریف است. در بعد معنوی خانه خدا لقب گرفته است، خانه خدا نه به معنای محل (نعوذ بالله) اسکان خدا، بلکه خانه ای است که به خدا اختصاص دارد و مالکیت آن به کسی تفویض نشده است. علاوه بر این انتساب، وجود حملگی ویژگی هایی که ذکر شد و همه مکاتب فکری (کم و بیش) به آنها نموده اند نشانه بارز زیبایی معنوی کعبه هستند. علاوه بر همه اینها همین که بپذیریم خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، با عنایت به توجه او به کعبه و عزت و شرافتی که برای آن قایل شده و آن را خانه خویش مقرر فرموده است می توان به زیبا بودن کعبه مطمئن شد. و اما

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برای توضیح بیشتر رجوع کنید به ادامه بحث در همین مأخذ.
- ۲- برای مطالعه در باب تجردگرایی در هنر اسلامی ایران رجوع کنید به نقی زاده، ۱۳۸۲
- ۳- سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
- ۴- برای مباحث مرتبط با این بحث از جمله رجوع کنید به: رحیمیان، ۱۳۷۶

منابع:

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام (ج ۲)، طرح نو، تهران، ۱۳۷۹
- ابن عربی، محی‌الدین (ترجمه محمدرضا جوزی)، در اسرار حج و کعبه (از فتوحات مکیه)، رواق، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۷
- افلاطون (ترجمه رضا کاویانی و محمد حسن لطفی)، جمهوری افلاطون، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۳
- افلاطون (ترجمه محمد حسن لطفی)، دوره آثار افلاطون، خوارزمی، تهران، ۱۳۸۰
- بمات، نجم‌الدین (ترجمه محمد حسین حلیمی و منیره اسلامبولچی)، شهر اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹
- بورکهارت، تیتوس (ترجمه غلامرضا اعوانی)، نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی، در مبانی هنر معنوی (گردآورنده علی تاجدینی)، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۲
- تولستوی، لئون، هنر چیست (ترجمه کاوه دهقان)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳
- پورنامدaran، تقی، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷
- جعفری، [علامه] محمدتقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، حوزه هنری، تهران، ۱۳۶۹
- جوادی آملی، عبدالله تفسیر موضوعی قرآن (ج ۵)، رجا، تهران، ۱۳۶۶
- حسینی کشکوئی، سید محمد، نگرشی اجتماعی به کعبه و حج از دیدگاه قرآن، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲
- خمینی، [امام] روح‌الله (ترجمه و توضیح عبدالکریم بی‌آزار شیرازی)، مناسک حج، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
- رحیمیان، سعید، تجلی و ظهور در عرفان نظری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶
- رسول اکرم ص (ترجمه ابوالقاسم پاینده)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار)، جاویدان، تهران، ۱۳۷۷
- زیدان، جرجی (ترجمه علی جواهر کلام)، تاریخ تمدن اسلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳
- دایوئان، رن (ترجمه نیرعلایی)، ویژگی اخلاقی در زیبایی شناسی کنفوسیوسی، خیال، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱
- سرل، جان (ترجمه محمود ظریف)، اسامی خاص، نامه فرهنگ، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۰
- سهروردی، شهاب‌الدین، رسائل فارسی (رساله فی حقیقه العشق)، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۶
- شریعتی، علی، حج، حسینیه ارشاد، تهران، بی تا
- شووان، فریتیهوف (ترجمه غلامرضا اعوانی)، تناقضات مکتب اصالت نسبیت، جاویدان خرد، شماره ۲، پائیز ۱۳۵۴
- [شیخ] صدوق، (ترجمه سید محمد علی بن سید محمد الحسنی)، اعتقادات ابن بابویه، تهران، ۱۳۷۱ ه ق
- [شیخ] صدوق (ترجمه آیت الله کمره ای)، امالی شیخ صدوق، کتابخانه اسلامی، تهران، ۱۳۶۲
- طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، تفسیر المیزان (ج ۲)، مهر، قم، ۱۳۴۶ الف
- طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین (ترجمه عبدالکریم نیری بروجردی)، تفسیر المیزان (ج ۶)، دارالعلم، قم، ۱۳۴۶ ب
- طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، تفسیر المیزان (ج ۱۷)، مهر، قم، ۱۳۶۳ الف
- طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، تفسیر المیزان (ج ۲۵)، محمدی، تهران، ۱۳۶۳ ب
- طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، تفسیر المیزان (ج ۲۸)، محمدی، تهران، ۱۳۶۳ ج

- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (ترجمه سید ابراهیم میرباقری)، تفسیر مجمع البیان (ج ۴)، فراهانی، تهران، ۱۳۵۰
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (ترجمه احمد بهشتی)، تفسیر مجمع البیان (ج ۱۶)، فراهانی، تهران، ۱۳۵۴
- طبری، محمد بن جریر (ترجمه ابوالقاسم پاینده)، تاریخ طبری، ج ۱، اساطیر، تهران، ۱۳۶۲
- [امام] علی ع، نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷
- قرآن کریم (ترجمه مهدی الهی قمشه ای)، انتشارات علمی، تهران
- قره چانلو، حسین، حرمین شریفین، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲
- قمی، قاضی سعید (ترجمه سید علی عمادی استرآبادی)، رموز صورت کعبه، رواق، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۸
- گروتز، یورگ (ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون)، زیبا شناختی در معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵
- گنون، رنه (ترجمه علیمحمد کاردان)، سیطره کمیت و علائم آخر زمان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵
- مطهری، [شهید] مرتضی، تماشگاه راز، صدرا، تهران، ۱۳۵۹
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه (ج ۳)، دارالکتب اسلامی، قم، ۱۳۶۱
- ندیمی، هادی، آیین جوانمردان و طریقت معماران، صفا، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵
- نصر، سید حسین، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹
- نصر، سید حسین (ترجمه رحیم قاسمیان)، هنر و معنویت اسلامی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۵
- نقی زاده، محمد، تأثیر معماری و شهر بر ارزشهای فرهنگی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۸۱ الف
- نقی زاده، محمد، زیبایی شناسی، فرم و فضا (فضای معماری و شهر)، مجموعه مقالات گرد همایی زیبایی شناسی کاربردی، مرکز مطالعات و تحقیقات هنری، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۱ ب
- نقی زاده، محمد، ویژگیها و مبانی زیبایی در هنر اسلامی ایران، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۸۲
- نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده، رابطه معنا و صورت در تبیین مبانی هنر، هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹
- نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده، فضای کیفی، معماری و شهر، نامه فرهنگ، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۰
- نیوتن، اریک (ترجمه پرویز مرزبان)، معنی زیبایی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷
- یعقوبی، ابن واضح (ترجمه محمد ابراهیم آیتی)، تاریخ یعقوبی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲

deh, Mircea. 1959 – The Sacred and profane: The Nature of Religion. Harcourt Brace Jovanovich. New York.

ckhardt, Titus. 1967-The Sacred Art in East and West. Perennial Books, London.

ckhardt, Titus. Art of Islam, Language and Meaning. 1976 – World of Islam Festival. London.

r, Seyyed Hossein. Forward to The Sense of Unity.1973– In Ardalan, Nader and Bakhtiar, Laleh. University of Chicago. Chicago.